



ارائه شناسی خطاهای شناخت در فهم مسائل حکمرانی

مهدی عبدالحمید، فرزاد دادرس

چکیده. با ظهور مکاتب جدید که از حوزه علوم شناختی نشأت گرفته اند، عقلانیت کامل در حوزه های متعددی مانند اقتصاد، مدیریت و خط مشی گذاری مخدوش شده است. واقعیت های مکرر نشان داده است که انسان ها در اکثر موقعیت ها نه تنها عقلایی رفتار نمیکنند، بلکه در موارد متعددی تحت تاثیر سوگیری ها و خطاهای شناختی بگونه ای مخرب دست به تصمیم گیری میزنند. سیاستگذاران نیز ممکن است مانند شهروندان عادی تصمیماتی غیر منطقی بگیرند، با این تفاوت که پیامد تصمیم گیری های ایشان در عرصه اجتماع میتواند عواقب وخیم و جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. این پژوهش بطور خاص با نظرداشت جایگاه خطیر حکمرانان و خط مشی گذاران، مرحله نخست خط مشی گذاری عمومی، یعنی تشخیص مسأله و خطاهای شناختی و رفتاری مربوط به آن را مورد توجه قرار می دهد تا حکمرانان را از ارتکاب خطای نوع سوم بازدارد.

در این مسیر، از طریق کاربست روش کتابخانه ای، انواع خطاهای شناختی مرتبط با تشخیص مسأله شناسایی گردید و پس از آن در مرحله تحلیل اطلاعات علاوه بر بکارگیری روش تحلیل محتوا، از طریق تشکیل گروه کانونی، خطاها مورد بحث و دسته بندی قرار گرفت. در نهایت نیز این خطاها از طریق دلفی فازی مورد تایید خبرگان قرار گرفت.

کلیدواژگان: عقلانیت محدود، پارادایم شناختی، تشخیص مسأله، خطای نوع سوم، خط مشی گذاری شناختی.

Provides a typology of cognitive errors in understanding governance Problems .

Abstract. With the emergence of new schools originating in the field of cognitive science, the paradigm of behavioral rationality has been disrupted in many areas such as economics, management and policy making. Repeated facts have shown that humans in most situations not only behave rationally, but in many cases make

decisive decisions under the influence of biases and cognitive errors. Policymakers, like ordinary citizens, may make irrational decisions, and the consequences of their decisions in the social field can have serious and irreparable consequences. This research in particular considering the critical position of rulers and policymakers, The first stage focuses on public policy, namely problem recognition and related cognitive and behavioral errors, to prevent rulers from committing a third type of error. In this way, through the application of the library method, a variety of cognitive errors related to problem detection were identified. Then, in the data analysis phase, in addition to applying the content analysis method, errors were discussed and categorized through focal group formation. Eventually these errors were confirmed by experts through Fuzzy Delphi.

Keywords: Bounded rationality, cognitive paradigm, problem recognition, type III error, cognitive policy Making.

مقدمه و بیان مساله

علوم و نظریه های مبتنی بر پارادایم عقلانیت رفتاری مانند اقتصاد نئوکلاسیک، عقلانیت و خرد افراد تصمیم گیرنده را بدیهی می دانند. معنای این مفهوم آن است که انسان عقلانی قادر است تا در تمام موقعیت های محیطی بگونه ای تصمیم گیری کند که منجر به بیشینه شدن سود و دستاوردهای مربوط به آن حوزه تصمیم گیری شود. اما ذات بشر بسیار پیچیده تر از آنی است که مدل های نئوکلاسیک و پارادایم های مدعی بر عقلانیت ادعا می کنند. بررسی ها و تحقیقات روانشناسانه بیشماری وجود دارد که نشان می دهد افراد تصمیم گیرنده، مستعد تعصبات شناختی هستند و نتایج تصمیمات آنها اغلب فاصله بسیار زیادی از پیش بینی مدل های تصمیم گیری مبتنی بر رویکردهای عقلانیت محور و استاندارد دارند (سولک، ۲۰۱۷).

همچنین تحقیقات بسیاری نشان داده اند که انسان پارادایم عقلانیت رفتاری، نه تنها در شرایط خاص قادر به تصمیم گیری در راستای بیشینه سازی نتایج مورد انتظار خود نیست بلکه تحت شرایط محیطی و تاثیر پذیری از خطاهای ذهنی خود، مستعد تصمیم گیری غلط، غیر بهینه و در راستای عدم تحقق نیازها و اهداف خود نیز میباشد (تیلر، ۱۹۸۵).

بر اساس مشاهدات مکرری که در این مورد صورت گرفت تحقیقات تیلر در دهه هفتاد موجب ظهور نگرش و مکتب جدیدی شد که اصول و مبانی پارادایمهای رفتار عقلانی را مورد تشکیک قرار داده و پارادایم عقلانیت محدود را جایگزین آن نمود. همینطور تحقیقات علوم شناختی و دستاوردهای قابل توجه این حوزه که تاثیر عوامل روانشناختی و عصب شناختی را در تصمیم گیری مورد پژوهش قرار داده بود، علاوه بر مخدوش کردن پارادایم عقلانیت رفتاری، زمینه ورود علوم روانشناسی، علوم شناختی و علوم رفتاری به حوزه هایی مانند اقتصاد، علوم تصمیم گیری و خط مشی گذاری گردید. بحث اصلی حوزه های منشعب از علوم شناختی این است که برای توضیح گستره عظیم تصمیماتی که افراد میگیرند، عوامل روانی، را نیز باید در نظر داشت.

اگر دامنه و عرصه تصمیم گیری های انسانی با پیش زمینه عقلانیت محدود، در حوزه سیاست، برنامه ریزیهای کلان، مدیریت و حکمرانی کشور تحلیل شود می توان گفت که سیاستگذاران نیز ممکن است مانند شهروندان عادی تصمیماتی غیر منطقی بگیرند و پیامد تصمیم گیری های ایشان در عرصه اجتماع میتواند عواقب وخیم و جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. بطور خاص این پژوهش، با عبور از خطاهای نوع اول و دوم، روی خطای نوع سوم تصمیم گیری های کلان در عرصه حکمرانی، با عنوان "تشخیص اشتباه مساله" متمرکز شده است. به عبارت دیگر این پژوهش گلوگاه حکمرانی مؤثر را تشخیص دقیق و صحیح مساله دانسته و تلاش کرده است تا با شناسایی عوامل شناختی تاثیر گذار بر تصمیم گیری های مبتنی بر تشخیص غلط مساله، چارچوب هایی برای کسب اطمینان از تشخیص درست مساله و نیز راهکارهایی برای بهبود این معضل ارائه دهد.

در یک جمع بندی از مساله و در خصوص جنبه رفتاری و درک فرایندهای شناختی خط مشی، می توان گفت: نخست اینکه بازیگران از لحاظ رفتاری عقلایی به نظر میرسند و قصد دارند هدفمحور و استراتژیک رفتار کنند، اما آنها در بسیاری از مواقع اشتباه می کنند و این اشتباهات فقط به دلیل پیچیدگی و پویایی واقعیت نیست، بلکه پیامد معماری شناختی انسان نیز می باشد و دوم، پویایی های مختلفی می توانند بر فضای مسئله/ مشکل / راه حل و جست و جو و تشخیص بدیل ها اثر بگذارند. پژوهش حاضر با نظر داشت موارد فوق، پژوهش حاضر پیرامون سؤال از چیستی خطاهای شناختی و رفتاری خط مشی گذاران و حکمرانان در مرحله تشخیص مساله شکل گرفته است.

پیشینه نظری

در این بخش، مباحثی که نتایج تحقیق بر مبنای آن ارائه شده است بر مبنای سیر منطقی ارائه می شود. نخست به مساله خطای نوع سوم پرداخته می شود. خطای نوع سوم، نقطه ورود این مقاله به مباحث شناختی در موضوعات حکمرانی و خط مشی گذاری است. پس از آن به تبیین مفاهیم حل مساله و ساختاردهی به مساله خواهیم پرداخت و در نهایت مفهوم حکمرانی شناختی ارائه می گردد.

حکمرانی

از نظر واژه شناسی، حکمرانی به واژه یونانی کوبرنان^۱ به معنای هدایت کردن باز می گردد. این واژه توسط افلاطون در خصوص چگونگی طراحی نظام حکومت^۲ به کار رفته است. در اصطلاح علمی، حکمرانی، اغلب برای توضیح تغییرات در ماهیت و نقش دولت در پی اصلاحات بخش عمومی که به جابه جایی از بوروکراسی سلسله مراتبی به سمت به کارگیری بیشتر بازارها، شبه بازارها و شبکه ها، به ویژه در ارائه خدمات عمومی منجر شده است، به کار می رود (بور،^۳ ۲۰۰۸). حکمرانی فرایندی است که از طریق آن، جوامع یا سازمان ها، تصمیم های مهم خود را اتخاذ کرده و مشخص می کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند. (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). کافمن (۲۰۱۰)، حکمرانی را سنت ها و نهادهایی می داند که بر اساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می شود. این مجموعه عبارت است از: ۱- فرایندی که بر اساس آن، حاکمان انتخاب می شوند، بر آنها نظارت شده و تغییر می کنند؛ ۲- ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست های درست را به گونه ای کارآمد تدوین و اجرا کند؛ ۳- احترام شهروندان و مردم به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آنها را اداره می کنند.

در این میان باید توجه داشت فصل مشترک اغلب تعاریف حکمرانی، دو مؤلفه است: ۱- نقش عاملان یا حکمرانان و ۲- عمل آنها (حکم) که از آن در ادبیات مدیریت دولتی، به خط مشی عمومی یا تصمیم گیری عمومی تعبیر می شود؛ چرا که دای برآنست که خط مشی عبارتست از آنچه حکومت انتخاب می کند که

¹ Kubernan

² System of Rule

³ Bevir

انجام دهد یا انجام ندهد (دای^۱، ۲۰۱۳، ۳). هیل نیز خط مشی را اقدام توسط یک حکومت، فرمانروا یا ... دانسته است (هیل^۲، ۲۰۰۵، ۲۳). اندرسون در امتداد همین تفکر، خط مشی را شیوه اقدام یا عدم اقدام نسبتاً پایدار و هدفمند که توسط یک بازیگر یا مجموعه ای از بازیگران در قبال مسأله یا چیزی که مایه نگرانی است، دنبال می شود، می داند (اندرسون^۳، ۲۰۱۱، ۵).

پژوهش حاضر از حیث موضوعی در موضوع حکمرانی و خط مشی گذاری عمومی و مشخصاً، مرحله نخست خط مشی گذاری عمومی که همان تشخیص مسأله^۴ (ر.ک. دای، ۲۰۱۳) است تعریف شده است. پژوهش درصدد شناخت خطاهای شناختی و رفتاری حکمرانان در مرحله نخستین خط مشی گذاری عمومی است.

خطای نوع سوم نقطه ورود مباحث شناختی به موضوعات حکمرانی

خطای نوع سوم در بیان ریفا^۵ به معنی «حل کردن مسأله اشتباهی» تعریف شده است (دان^۶، ۲۰۱۸، ۸۱). در این صورت فردی که در مقام حل مسأله برآمده است، نسبت به حل یا بهبود مشکل یا مسأله ای اقدام می کند که اساساً ارزش اقدام ندارد و این مسأله مشخصاً منجر به هدر رفت منابع زمانی، سرمایه ای و اعتباری و اجتماعی جوامع در سطح خرد و کلان می شود. به عبارت دیگر خطای نوع سوم، حل کردن مسأله ای است که اساساً مسأله نیست!

برای اجتناب از خطای نوع سوم، توجه به فرایند ساختاردهی به مسأله می تواند مفید واقع شود. فرآیند ساختاردهی مسأله تعدادی از مسائل جدی در حوزه روش شناسی تحلیل و علم خط مشی را مطرح می کند. هر مرحله از ساختاردهی مسئله نیاز به انواع مختلفی از مهارت های روش شناختی و انواع مختلف استدلال^۷ دارد. برای کشف فرامسئله ها^۸، عموماً مهارت های مشاهده ای مناسبند چرا که هدف کشف و جمع آوری تعاریف مشکل از ذی نفعان متعدد است. در عوض، مهارت های لازم برای تبدیل فرامسأله به مسأله حقیقی^۹ عمدتاً مفهومی و تحلیلی هستند؛ مهارتهایی که عمدتاً در تحلیل داده های کیفی به کار می روند. پس از این در مرحله تبدیل مسأله حقیقی به مسأله رسمی^{۱۰}، از مهارت های ریاضی و آمار نظیر اقتصادسنجی و تحقیق در عملیات استفاده می شود (دان، ۲۰۱۸، ۸۱). باید توجه داشت که این پیکره های دانشی باید در نظامهای تصمیم گیری مورد توجه و دقت و بازبینی موشکافانه ای قرار گیرد.

مبتهی بر مباحث فوق، مشخص می گردد که مفهوم تشخیص مسأله، موضوعی سهل و ممتنع است، که در

¹ Dye

² Hill

³ Anderson

⁴ Problem Identification

⁵ Howard Raiffa

⁶ Dunn

⁷ Reasoning

⁸ Metaproblems

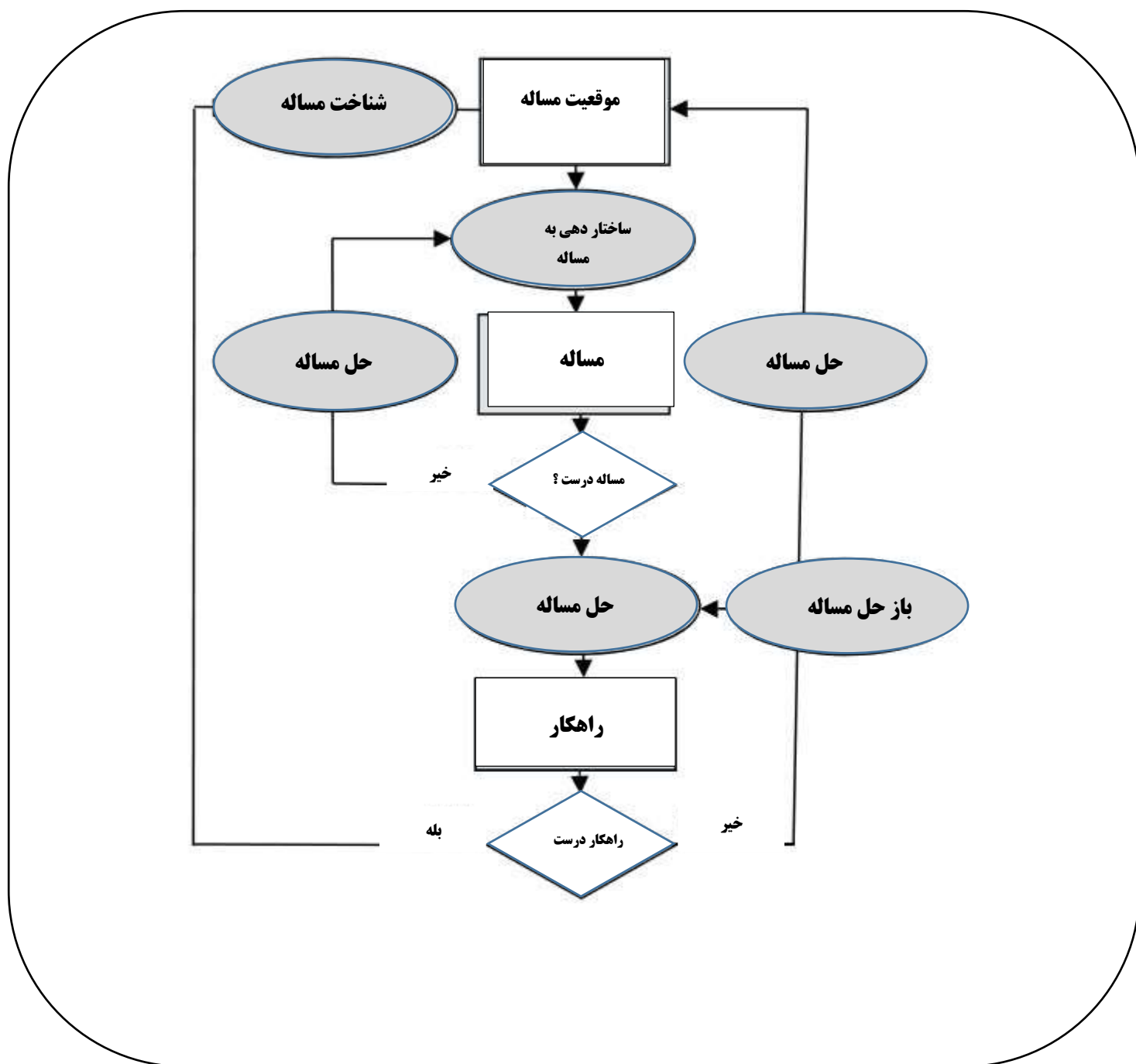
⁹ Substantive Problem

¹⁰ Formal Problem

ظاهر، ساده ولی در واقع، پیچیده، چندبعدی و چند مرحله ای است. به عبارت دیگر فرایند رسیدن از فرامسأله به مسأله رسمی، شامل مراحل است که در هر یک از آنها، احتمال بروز خطاهای شناختی و در نتیجه گرفتارشدن در دام خطای نوع سوم وجود دارد.

حل مساله یا ساختاردهی به مسأله

خط مشی تجزیه و تحلیل، اغلب به عنوان یک روش حل مسأله شناخته می شود اما روش های ساختاردهی به مساله با روشهای حل مساله تفاوت دارند زیرا سوالات طراحی شده برای پاسخ دادن به آنها متفاوت است. روش های حل مساله برای زمانی مناسب هستند که مسأله مشخص است و کم و بیش راههای حل آن مسأله موجود است. خط مشی تجزیه و تحلیل در بردارنده این مفهوم است که روش های ساختاردهی به مسائل بهتر از روش حل مسائل می باشند. روش ساختاردهی به مسائل یک مکمل روش شناختی را برای تئوری های طراحی خط مشی یا طراحی علم ارائه می دهد. روش های ساختاردهی به مسأله، روش های مستمر و جاری هستند یعنی آنها روش های حل مسئله در مورد حال حاضر و قبل از آن هستند.



شکل ۱- فرایند ساختار دهی به مساله (دان، ۲۰۱۸، ۷۱)

مراحل ساختاردهی به مسأله

ساختاردهی به مسأله از ۴ مرحله بهم پیوسته برخوردار است: جستجوی مسأله^۱، طرح مسأله^۲، تعیین

^۱ Problem Searching

^۲ Problem Delineation

مسئله^۱ و ادراک مسئله^۲. یک پیش‌نیاز ساختاردهی مسئله، باز شناخت یا "حضور هوشیار"^۳ موقعیت مسئله^۴ می‌باشد. در حرکت از موقعیت مسئله، تحلیل‌گران مشغول جستجوی مسئله می‌شود. در این گام، هدف کشف یک مسئله واحد نیست (برای مثال از طرف مشتری یا تحلیل‌گر)؛ در عوض یافتن نمایندگان (نشانه‌های) تعداد زیادی مسئله از ذی‌نفعان چندگانه می‌باشد. تحلیل‌گران در عمل معمولاً با شبکه‌ای بزرگ، پیچیده از فرمول‌بندی‌های رقیب مسئله مواجه می‌شوند که پویا، به صورت اجتماعی ساخته شده، و در کل فرآیند خط‌مشی‌گذاری توزیع شده، هستند. در واقع، تحلیل‌گران با یک فرامسئله-مسئله‌ی مسائلی که بد ساختار یافته می‌باشد مواجه‌اند زیرا حیطه نمایندگان مسئله با ذی‌نفعان مختلف، توده‌ای غیرقابل مدیریت به نظر می‌رسد. ریسک مرکزی و اصلی، تعریف کردن مرزهای فرامسئله می‌باشد. در مرحله طرح مسئله، تعریف مرزهای فرامسئله ممکن می‌شود. به بیان دیگر، مسئله نوع دوم^۵ که ممکن است به عنوان طبقه‌ی همه مسائل نوع اول^۶ تعریف شود، خود عضو مسائل نوع اول است. بجز این دو سطح تمیز داده شده، تحلیل‌گران ریسک فرمول‌بندی مسئله اشتباه را با اشتباه کردن در تشخیص عضو و طبقه انجام می‌دهند. ما از قاعده "هرچیزی که شامل همه‌ی یک مجموعه باشد نباید یکی از آن مجموعه باشد" تخلف کردیم^۷ (دان، ۲۰۱۸، ۷۸).

در حرکت از فرامسئله به مسئله حقیقی (اساسی)^۸، تحلیل‌گر تلاش می‌کند مسئله را در مبنایی‌ترین و عام‌ترین عبارات تعریف کند. برای مثال، تحلیل‌گر ممکن است تصمیم گیرد که آیا مسئله از علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مهندسی، و از این قبیل است. اگر مسئله حقیقی به عنوان یک مسئله اقتصادی مفهوم‌سازی شده باشد، تحلیل‌گر با آن بر حسب عوامل مرتبط با تولید و توزیع کالاها و خدمات برخورد خواهد کرد. اگر مسئله به عنوان یک مسئله سیاسی یا جامعه‌شناختی دیده شده است، تحلیل‌گر با آن بر حسب توزیع قدرت و نفوذ میان گروه‌های ذی‌نفع رقیب، نخبگان، یا طبقات نزدیک می‌شود. انتخاب یک چارچوب مفهومی اغلب شبیه انتخاب یکی از جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، یا افسانه مشهور می‌باشد و تعهدی به یک نگاه خاص از واقعیت را نشان می‌دهد (دان، ۲۰۱۸، ۷۹).

¹ Problem Specification

² Problem Sensing

³ Felt existence

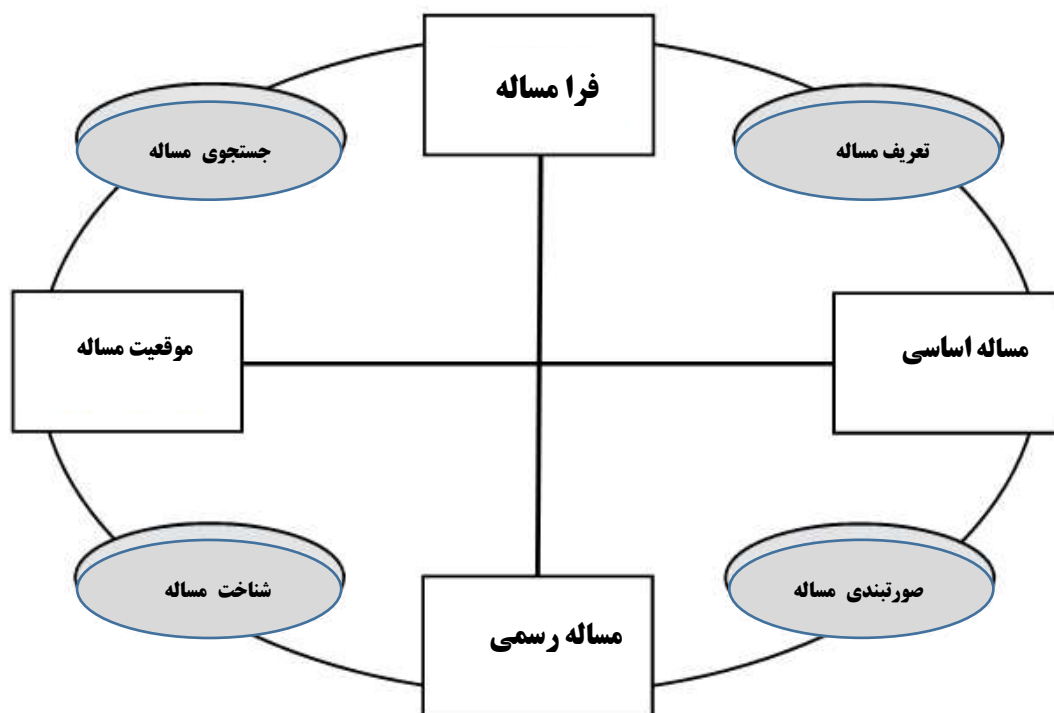
⁴ Problem Situation

⁵ Second-order problem

⁶ First-order problems

⁷ We violate the rule that "whatever involves *all* of a collection must not be one of the collection."

⁸ Substantive problem



شکل ۲- مراحل ساختار دهی به مسئله (دان، ۲۰۱۸، ۷۹).

برای روشن شدن اهمیت جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، و افسانه‌ها مشهور در مفهوم‌سازی مسائل واقعی، شیوه‌های مختلف تعریف فقر را در نظر بگیرید. فقر ممکن است به عنوان پیامدی از اتفاقات یا حالات اجتناب-ناپذیر جامعه، از اقداماتی افراد شرور، یا از عیوب خود فقرا دیده شود. این تعاریف از فقر مولفه‌هایی از یک جهان‌بینی، افسانه، یا ایدئولوژی در بر می‌گیرد تا حدی که هر کدام یک درک گزینشی از مولفه‌های موقعیت مسئله را شامل می‌شوند. جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، و افسانه‌ها تاحدی صحیح و تا حدی غلط هستند؛ آن‌ها ممکن است در عین حال مفید و خطرناک باشند (دان، ۲۰۱۸، ۷۹).

خطای نوع سوم یا خطای محاسباتی در بیان مقام معظم رهبری

اهمیت جایگاه مساله شناخت و جایگاه علوم شناختی و به تبع آن حکمرانی شناختی را می‌توان در بیانات رهبری و مخصوصاً در سخنرانی‌های اخیر ایشان یافت. ایشان تلاش پیچیده و چند جانبه برای ایجاد اختلال در محاسبات مسئولان و دستگاه‌های جمهوری اسلامی را مهمترین هدف کنونی دشمنان می‌دانند. ایشان خطای در محاسبه را از بزرگترین خطرهای دانسته و برآورد:

«همه باید مراقب این خطر بزرگ باشند زیرا خطای در محاسبه باعث می‌شود که اراده و توانایی‌های انسان در جهت تصمیم اشتباهی که اتخاذ می‌شود، عملاً به هدر رود» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۴/۱۶).

بدین نکته در آیات قرآن کریم نیز اشاره شده است: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (قرآن کریم، سوره کهف، ۱۰۳-۱۰۴)؛ یعنی: بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؛ کسانی اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

رهبری یکی از مهمترین مصادیق نفوذ را همین ایجاد خطا در محاسبات مسئولین دانسته و معتقدند: «مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را میگیرد که او میخواهد. وقتی محاسبه‌ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را میگیرم که او میخواهد؛ من همان کاری را که او میخواهد مفت و مجانی انجام میدهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم -یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم- این کار را انجام میدهم. [بنابراین] سعی میکنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اوّل مسئولینند» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

خداوند در قرآن کریم سستی و غم را از عوارض خطای محاسباتی مؤمنین معرفی می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم، سوره آل عمران، ۱۳۹)؛ یعنی: سست نشوید و اندوهگین مباشید، در حالی که شما اگر مؤمنید، برترید! آیت الله خامنه‌ای ضمن اشاره بدین آیه در تبیین خطای محاسباتی برآند که «اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۴/۱۶).

همچنین همانطور که گفته شد، خطاهای محاسباتی و خطای نوع سوم، می‌تواند ناشی از جهان بینی ها، ایدئولوژی ها و افسانه ها باشد. به عبارت دیگر نقش جهان بینی ها در نوع نگاه به پدیده غیر قابل انکار است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه برآند که: «مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله‌ی شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جَنّی نیست؛ ابلیس که فقط

نیست؛ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (قرآن کریم، سوره انعام، ۱۱۲)؛ شیاطین انس و جن به هم کمک هم میکنند. من همین جا تأکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ (قرآن کریم، سوره محمد، ۷)؛ دیگر از این واضح تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (قرآن کریم، سوره احزاب، ۶۲)؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد» (بیانات آیت الله خامنه ای، ۱۶/۰۴/۱۳۹۳).

پیشینه تحقیق تجربی

سلیمی و مکنون (۱۳۹۷) در پژوهش خود، تمام مقالات و محتوای منتشر شده در حوزه حکمرانی در ایران را مورد بررسی قرار داده اند. مبتنی بر یافته های پژوهش سلیمی و مکنون، اغلب پژوهش ها در موضوعاتی بشرح جدول ذیل محدود شده و اثری از پژوهش های حوزه علوم شناختی و نقش آن در خط مشی گذاری و حکمرانی دیده نمی شود:

جدول ۱: تحقیقات فارسی صورت گرفته در حوزه حکمرانی بر حسب موضوع

ردیف	موضوعات پژوهشی در حوزه حکمرانی	ردیف	موضوعات پژوهشی در حوزه حکمرانی
۱	حکمرانی، توسعه و رشد اقتصادی	۵	حکمرانی و توسعه انسانی / حقوق بشر
۲	حکمرانی و فساد	۶	حکمرانی و سرمایه اجتماعی
۳	حکمرانی و نهادهای سیاسی	۷	حکمرانی و مدیریت دولتی
۴	حکمرانی و محیط زیست	۸	حکمرانی و رسانه- حکمرانی و سرمایه گذاری

در جدول زیر فهرست منتخبی از مقالات و کتب مطالعه شده در خصوص تحقیقات و پژوهش های خارجی ارائه شده که میتوان با نگاهی اجمالی به آنها علاوه بر دست یافتن به جایگاه پژوهش های بین رشته ای در حوزه علوم شناختی و خط مشی گذاری در کشورهای دیگر، شکافهای تحقیقاتی موجود را یافته و در مراحل بعدی نسبت به توسعه پژوهش ها و بومی سازی آنها اقدام نمود:

جدول ۲: تحقیقات لاتین صورت گرفته در حوزه حکمرانی بر حسب موضوع

ردیف	موضوع پژوهش	زیر موضوع نویسندگان-سال نشر	یافته ها
۱	شواهدی در مورد سوگیریهای شناختی در سیاست گذاری عمومی و تصمیمات مدیریتی	سوگیریهای شناختی از منظر نظریه چشم انداز Bellé and Cantarelli, ۲۰۱۸	انحرافات جدی و سیستماتیک تصمیم گیرندگان از عقلانیت - قرار داشتن تصمیم گیرندگان در معرض سوگیری های شناختی جدی- تاثیر گذاری نظام مند سوگیری ها و خطاهای شناختی بر برآوردها، قضاوت ها و انتخاب های تصمیم گیرندگان - تصمیم جانبداری های شناختی بر وظایف مدیریتی در حوزه سیاست گذاری - محدود بودن پژوهش ها در مورد تاثیر گذاری خطاهای سیستماتیک بر تصمیمات مقامات و مدیران دولتی- درک نحوه اثرگذاری سوگیری های شناختی بر تصمیمات سازمان های- انواع سوگیری های شناختی
۲	تحلیل خط مشی گذاری عمومی- رویکردی یکپارچه	بررسی خطاهای کلیدی در تعریف مسأله Dunn ۲۰۱۸	ارائه مدل ساختار دهی به مسأله - ارائه فرایند ساختاردهی به مسأله- فازها و مراحل ساختاردهی به مسأله- خطای نوع سوم در تبیین مسائل خط مشی گذاری
۳	چارچوب سیاستگذاری شناختی برای سیستمهای توزیع شده نسل بعدی	توسعه رویکرد های شناختی و منعطف سیاست محور Bertino et al ۲۰۱۷	انجام مأموریت ها و فعالیت های سیاستگذاری نسل بعدی توسط گروه هایی از تمهیدات/ابزارها با قابلیت های متنوع شناختی- ضرورت پیاده سازی تمهیدات/ ابزارهای شناختی در محیط های توأم با عدم قطعیت، ناامن (هم فیزیکی و هم سایبری) و بی ثبات- معرفی یک راهبرد تحقیقاتی در مورد توسعه رویکرد شناختی و منعطف سیاست محور برای مدیریت گروه های مستقل ابزارها- پیشنهاد یک پارادایم سیاستگذاری داده محور بوده برای بهبود مشکل تامین داده های مورد نیاز برای تصمیمات سیاستگذاری در محیط های پویا، توأم با عدم قطعیت.

ع.ع	موضوع پژوهش	زیر موضوع نویسندگان-سال نشر	یافته ها
۴	علوم سیاستگذاری جدید : ترکیب علم شناختی با نظریه های متعدد زمینه ای	بررسی ماهیت چند بعدی محیط های پیچیده تصمیم گیری Cairney, and Weible, ۲۰۱۷	ارائه دو استراتژی زیربنایی: شناسایی پیشرفت ها در روانشنا سی تصمیم گیری و تبیین چگونگی تاثیرگذاری نظریه های سیاستگذاری بر روانشناسی سیاستگذاری در شرایط پیچیده- ضرورت یادگیری از علوم روانشناسی و شناختی برای بهبود مدل انتخاب/تصمیم گیری- مبتنی بودن مدل های انتخاب ، بر مبنای رد عقلانیت کامل - عقلانیت محدود و توانایی مح دود تصمیم گیرندگان برای پردازش اطلاعات و ایجاد ترجیحا ت سیاستی- تفاوت میان سیستم شهودی و استدلالی تصم یم گیری و نیز میان تفکر سریع و کند در نتایج تصمیم گیر ی
۵	رویکردهای اقتصاد رفتار ی در سیاست گذاری عم ومی	رویکرد مقایسه ای به نگرش های حوز ه تصمیم گیری Adrian Solek ۲۰۱۴	ناتوانی مدل های کلاسیک در تبیین فرایند تصمیم گیری - ضرورت در نظر گرفتن عوامل روانی برای تبیین نظام تصمیم گیری ذهنی سیاستگذاران- تاثیر پذیری عمیق حوزه سیاس تگذاری از یافته های علوم شناختی و اقتصاد رفتاری - ضرور ت نگاشت تمایلات رفتاری و ویژگی های شناختی سیاستگذا ران به عملکرد تصمیم گیری آنها(ایجاد مکانیزم های نگاشت) - استفاده از مکانیزمهای نگاشت در شرایط زندگی واقعی برا ی رسیدن به اهداف مطلوب با پایین ترین هزینه ممکن

ردیف	موضوع پژوهش	زیر موضوع نویسندگان-سال نشر	یافته ها
۶	شبیه سازی اجتماعی شناختی برای خط مشی گذار	مطالعات مدل سازی شناختی و شبیه سازی اجتماعی Sun ۲۰۱۸	ضرورت تولید مدل های فرایندهای ذهنی محاسباتی یا ریاضیاتی دقیق (مثل استنتاج یا تصمیم گیری انسانی) مبتنی بر مدل سازی شناختی- ایجاد مدل های دقیق فرایندهای اجتماعی (مثل مقایسه گروهی یا تصمیم گیری جمعی) با رویکرد شبیه سازی اجتماعی- ترکیب مدل های اجتماعی و شناختی و شبیه سازی اجتماعی شناختی برای حل مسائل و مقولات مرتبط با فرایندهای شخصی و اجتماعی در حوزه تصمیم گیری- ایجاد کاربرد های عملیاتی در ارتباط با خط مشی گذاری در حوزه هایی که نیاز به فهم سطوح شخصی و جمعی از پدیده های پیچیده وجود دارد- قرار دادن فرایندهای ذهنی فردی و فرایندهای اجتماعی بین فردی توسط ترکیب مدل سازی شناختی و شبیه سازی اجتماعی- درک دقیق تر از سناریوها و نتایج بوسیله شبیه سازی تفصیلی و هدایت به سمت خط مشی های بهینه- ضرورت قرار گرفتن شبیه سازی اجتماعی شناختی به عنوان بخشی از برنامه آموزشی در مطالعه خط مشی ها
۷	تغییر گسسته درونی	ضرورت تغییرات کلان در حوزه سیاست گذاری بر اساس توسعه مدل های واقعی برگرفته از شناخت بشر Baumgartner-Richardson ۲۰۱۷	مبتنی بودن مدل های تغییر سیاسی و اقتصادی در سطح کلان بر اساس تغییرات شدیداً غیر واقعی در مورد شناخت بشر، توسعه یک سنت جدید بر اساس ایده های واقعی تر در مورد بشر - ضرورت ایجاد تغییرات درونی گسسته در بخش سیاست گذاری عمومی- ضرورت مشارکت تحقیقات و همکاری ها در جهت توسعه این مدل ها - ضرورت تلفیق شناخت جدید از بشر و تصمیم گیری به روشهای متفاوت - ضرورت تلفیق مدل های واقعی از توجه و شناخت فردی با مدل های انتخاب جمعی

ردیف	موضوع پژوهش	زیر موضوع نویسندگان- سال نشر	یافته ها
۸	عقلانیت رفتاری به عنوان مبنای مطالعات خط مشی عمومی	برقراری ارتباط پردازش شناختی فردی با سیستم های سازماندهی جمعی مسائل اجتماعی Jones, B. D. ۲۰۱۷	نزدیک بودن دانش بشر برای ساخت مدل رفتاری جهت یکپارچه سازی علوم شناختی - پیشنهاد جایگزینی مدل عقلانی انتخاب انسانی با یک مدل رفتاری انتخاب استوارتر که بر پای هی پیشرفت های علوم شناختی - پیشنهاد توسعه های پژوهش های فرایند خط مشی عمومی و پیوند با مدل های رفتاری تصمیم گیری- پیشنهاد نظریه سازمان رفتاری بجای نظریه های سازمان و مدیریت سنتی - توانایی عقلانیت رفتاری برای ایجاد تغییرات همده و تدریجی خط مشی با یکپارچه سازی تغیرات به وجود آمده در "توجه" در سطح سیستم
۹	یک دیدگاه شناختی از پیاده سازی خط مشی: ع قاید اصلاحی، معنا سازی و شبکه های اجتماعی	مبنای شناختی پیاده سازی خط مشی Siciliano, et al ۲۰۱۷.	چگونگی شکل گیری و تقابل عقاید در گروه های اجتماعی فیزیکی با شبکه های اجتماعی - تقابل یافته های پژوهش مبنی بر عدم شباهت سازی در بین گزینه های مورد مطالعه (معلمان مدرسه) با نتایج شباهت سازی عقاید در شبکه های اجتماعی - ارائه یک دیدگاه نوین در مورد پویایی های پیچیده ای که بهنگام معرفی و اعمال سیاست های جدید در سازمان ها و در تعاملات میان کارکنان ایجاد میشود
۱۰	خط مشی عمومی و خرد جمعی	تاثیر گذاری خرد جمعی بر سیاست گذار و خط مشی عمومی Derek, A. E. ۲۰۱۷	نقش کلیدی هوش جمعی (به معنای قضاوت های بسیار دقیق ق گروهی از افراد) در معادله های اقتصادی و سیاسی- چگونگی تاثیر خرد جمعی بر سیاست. بررسی دو نوع فرایند تصمیم گیری: گروهی و سازمانی- تحلیل توزیعی بازارهای مالی و نرخ های ارز خارجی نشان می دهد که وقتی سیاست ها توسط گروه ها تعیین می شوند، آنها کمتر مستعد ابتلا به ناپایداری اند- شواهدی مبنی بر سرعت و دقت بیشتر در تصمیم گیری های گروهی
۱۱	قدرت شناخت اجتماعی	آزمایش تجربی رفتارهای شناختی اجتماعی Morgan ۲۰۱۴	توسعه یک مدل مبتنی بر عامل (شامل مدل واضحی از شناخت اجتماعی)- نتایج این مدل نشان داد که اضافه کردن شناخت اجتماعی میزان واقعی بودن مدل را افزایش داده و هزینه های محاسباتی تصمیم گیری را کم می کند.

ع.ع	موضوع پژوهش	زیر موضوع نویسندگان-سال نشر	یافته ها
۱۲	نقش چارچوب های شناختی و هنجاری در سیاستگذاری	مروری انتقادی به م دل های مختلف سیاستگذاری عمومی Surel ۲۰۱۳	چگونگی مدیریت تعارضات و تنش های اجتماعی معینی تو سط چارچوب های شناختی - ضرورت ایجاد یک چارچوب شناختی و هنجاری برایشکل گیری گروه ها به عنوان بازیگرا ن اجتماعی در یک حوزه مشخص با هدف مدیریت ارتباط میا ن ارزش ها، نمایه ها، هنجارهای جهانی، و غیره در سطح زیر سیستم ها - تولید و توزیع چارچوب های شناختی و هنجاری و تعریف نقش بازیگران معین در سیاستگذاری عمومی - مفه وم سازی فرهنگی ایدئولوژی به عنوان یکی از کارکردهای ا صلی ایجاد چارچوب شناختی و هنجاری برای تعداد معینی از بازیگران با هدف اثربخشی در توسعه آگاهی های جمعی
۱۳	سلايق، طبقات مردم، و فرهنگ: تأثير جامعه بر اولويتها	نقد نظریه های مبت نی بر نقش عوامل خا رجی در تعیین اولویت ها Fehr, Hoff, ۲۰۰۱ ۱۱	تأثير گذاری عقايد و ایده های شخصی بر اولويت های تصميم گیری - ناکام بودن تئوریهای استاندارد در برابر در برابر تغی یرات جزئی

تحلیل پژوهش های پیشین

برای درک بهتر شکاف تحقیقات، عناوین و محتوای پژوهش های صورت گرفته، در جدول فوق ارائه شده است. از بررسی جدول فوق می توان نتیجه گرفت که از میان تمام پژوهش های انجام شده تنها یکی از آنها به جایگاه کلیدی خطاهای مربوط به تشخیص صحیح مساله اشاره داشته و تمامی پژوهش های دیگر ابعاد دیگری از همپوشانی حوزه های علوم شناختی و خط مشی گذاری را مدنظر داشته اند. این مساله نشان میدهد که این حوزه پژوهشی بسیار جوان و نوپا بوده و همزمان فرصت ها و تهدیدهای خود را برای توسعه پژوهش های داخل کشور به همراه دارد. تهدیدها از جهت کمبود منابع و تجربیات علمی مناسب در داخل کشور معنا پیدا میکنند و فرصت ها هم نشان از امکان همپا شدن توسعه پژوهشهای داخلی نسبت به پژوهش های و پژوهشگران سایر کشورها داشته و شاید بتوان با تداوم این پژوهش ها و عمق بخشیدن به آنها در سالهای آینده ایران را به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این عرصه تحقیقاتی معرفی نمود.

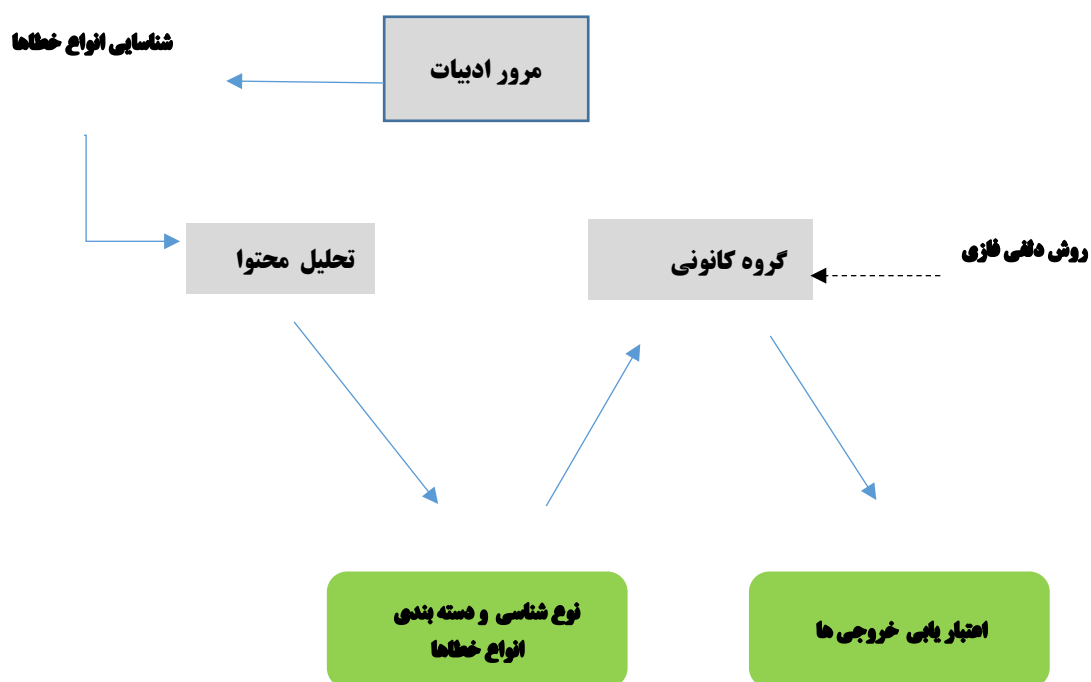
سؤالات پژوهش

سؤالات اصلی این پژوهش، عبارتند از:

- چه نوع خطاهایی در تصمیم گیری های حکمرانی و کلان کشور قابل رخ دادن است؟
- دلایل رخ دادن این خطاها چیست ؟
- چگونه میتوان از بروز چنین خطاهایی پیشگیری کرد و راه بهبود این مساله چیست؟

مراحل پژوهش

این پژوهش تلاش می کند تا در یک مطالعه مروری و کتابخانه ای، ابتدا انواع خطاهای ممکن در تصمیم گیر یهای حکمرانی در مرحله تشخیص مساله را شناسایی و اهمیت هر یک از آنها را روشن و سپس دلایل بروز آنها را مشخص کند. در گام بعدی با استفاده از روش تحلیل محتوا و گروه کانونی، به دسته بندی خطاهای شناختی و ارائه نوع شناسی از خطاهای شناختی اقدام نماید.



شکل ۳- ساختار و مراحل تحقیق

روش تحقیق

روش استفاده شده در این پژوهش از منظر گردآوری داده ها، روش مطالعه مروری (کتابخانه ای) است. همچنین برای تحلیل داده های گرد آوری شده از روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل محتوای متن) استفاده شده است. برای اعتباریابی خروجی تحلیل های انجام شده از روش دلفی استفاده شده است. در روش تحلیل

محتوای کیفی، محقق از روش‌هایی برای گردآوری داده‌ها و روش‌هایی برای تحلیل آنها استفاده کرده است. روش تحلیل محتوا، یک روش مستقل پژوهشی است که می‌توان از آن برای رسیدن به الگوها و چارچوبهای مفهومی، توصیف و تلخیص داده‌ها، استنباط از آنها و ایجاد نظریه استفاده کرد (مؤمنی راد، ۱۳۹۳). امروزه از تحلیل محتوای کیفی در روش‌های پژوهش اسنادی نام برده می‌شود که به گونه‌ای همان تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک است. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون، اسناد مدارک و در واقع هر نوع سند ثبت و مطالب ضبط شده‌ای را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال مورد ارزیابی و تحلیلی منظم تر، دقیق تر و از همه مهم تر با درجات بالاتری از پایداری قرار داد. تحلیل محتوا، روشی است که در آن، پژوهشگران به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسانها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک (نانوشته و نوشته) است می‌پردازد (قاعدی، گلشنی، ۱۳۹۵).

تحلیل محتوا، هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد است، اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش‌هایی در مورد آن، به ارتباط که آنان به وجود آورده‌اند و یا پیام‌هایی که رد و بدل کرده‌اند توجه، و آن را مورد ارزیابی و پرسش قرار می‌دهند (صدیق سروسرستانی ۹۱:۱۱۳:۱۳۷۵).

پژوهشگران به تحلیل محتوا به منزله روشی انعطاف پذیر برای تحلیل داده‌ها توجهی ویژه دارند (-5:1997 Cavanagh) این روش علمی برای توصیف عینی محتوای پیام از بعد باطنی و ظاهری کاربرد دارد (دفتر پژوهش تالیف و فن آوری آموزشی، ۱۳۸۵).

در تحلیل محتوا، پژوهشگر پیام‌های تولید شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های تحقیق خود است. روش تحلیل محتوا برای دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی فرصت‌های گوناگونی را جهت استفاده منظم از فراگیرترین شکل مدارک مربوط به امور انسانی - یعنی محتوای ارتباطات - فراهم می‌آورد. دامنه وسیع این فرصت‌ها هنگامی که تنوع مواردی را که روش تحلیل محتوا در آن مفید واقع شده است مرور می‌کنیم؛ آشکارتر خواهد شد.

مراحل تحلیل محتوا

بطور کلی مراحل آنی که در تحلیل محتوای متنی (کیفی) برای رسیدن به پاسخ سوالات پژوهش، در شکل بعد نمایش داده شده است. همانطور که مشاهده میشود سه مرحله اصلی در فرایند تحلیل محتوا وجود دارد: آمادگی، سازماندهی و در نهایت گزارش نتایج بدست آمده. هر کدام از مراحل سه گانه نیز خود شامل مراحل دیگری هستند که عبارتند از:

آمادگی:

مشخص کردن مساله پژوهش

تدوین سوالات و اهداف

تعریف متغیرها

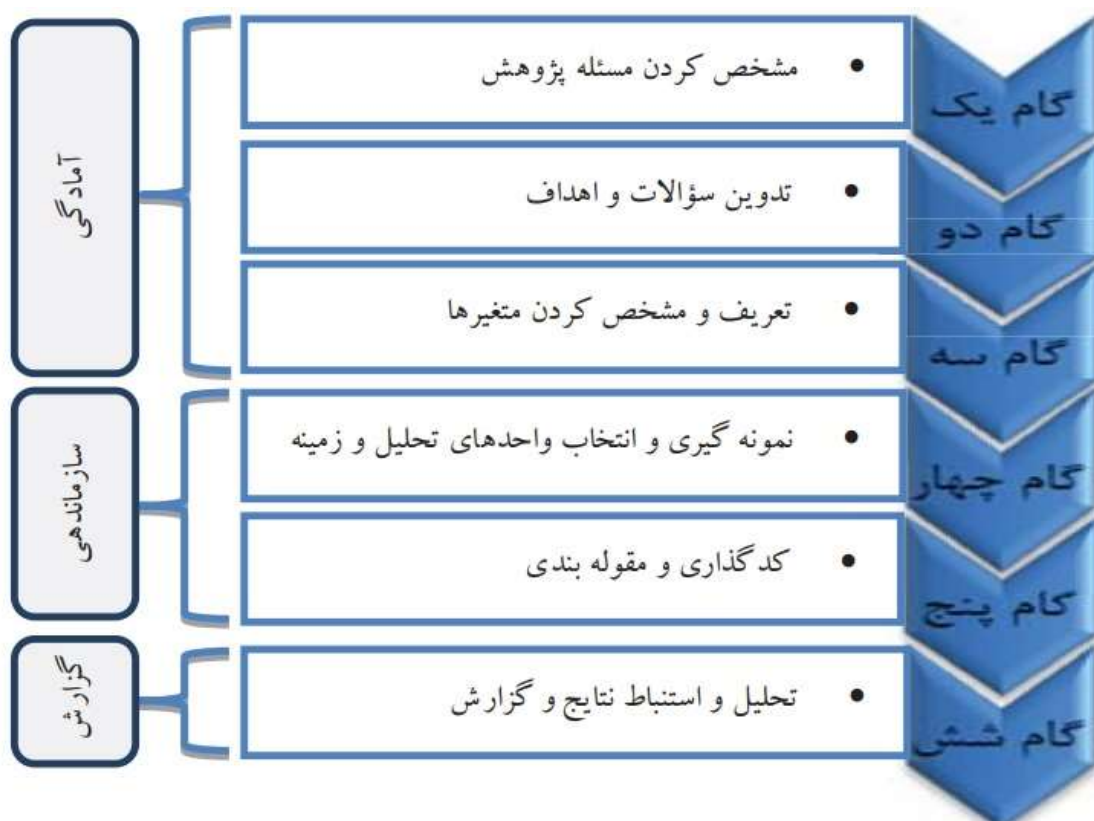
سازماندهی :

نمونه گیری و انتخاب واحد های تحلیل

مقوله بندی

گزارش

تحلیل و استنباط نتایج و گزارش



شکل ۴- مراحل تحلیل محتوای کیفی

روش دلفی

برای اعتبار یابی خروجی روش تحلیل محتوای کیفی، از روش دلفی استفاده شده است. در این روش، پرسشنامه ای تهیه و برای اعتبار یابی به خبرگان داده میشود. نتایج بر اساس یک روش کمی اندازه گیری شده و بر اساس آنها قسمتهای مختلف خروجی اعتبار یابی می شوند.

یافته ها و نتایج تحقیق

کارکرد مغز انسان گیج کننده است. سؤالی که در ابتدای این پژوهش مطرح شده بود این است که انسان چگونه میتواند در انجام برخی امور کاملاً هوشمندانه عمل کند و در برخی امور کاملاً نابخردانه ؟ مردم چگونه

میتوانند همزمان باهوش و نابخرد باشند؟ پاسخ این است که بسیاری از روانشناسان و دانشمندان علوم اعصاب شناختی در توصیف عملکرد مغز برای توضیح این تناقض ها بر این باورند که این مسأله بواسطه وجود دو نوع سیستم فکری در انسان رخ می دهد: یکی خودکار و احساسی^۱ (واکنشهای دلی یا سیستم ۱) و دیگری بازتابی و عقلانی^۲ (واکنش های هشیارانه یا سیستم ۲) و دلیل اغلب اشتباهات و واکنش های نابخردانه ما این است که به سیستم ۱ بیش از اندازه تکیه می کنیم.

مثال های زیادی وجود دارد که نشان می دهد انسان ها در عین هوشمندی دچار خطاهای فاحش می شوند. نمونه ای از این مثال ها را می توان در خطاهای دیداری یا سؤالاتی یافت که در یک نظر پاسخ ساده و مشخصی دارند اما ما انسان ها را دچار اشتباه و خطای محاسباتی یا شناختی می کنند. این خطاها بیانگر بینش کلیدی ای هستند که اقتصاددانان رفتاری از روانشناسان گرفتند و باعث ظهور پارادایمهای جدید در حوزه علوم رفتاری و دانش تصمیم گیری^۳ شد. نکته بسیار کلیدی در مورد تعداد قابل توجهی از این خطاها این است که این خطاها به معنای وجود اشکالی بزرگ در ما آدمها نیست بلکه به این معناست که فهم ما از رفتار انسان ها میتواند با دقت کردن بر اشتباهات معمول آنها بهبود یابد (تیلر، سانستین، ۲۰۱۷). ما برای دستیابی به این فهم، نیازمند مرور برخی جنبه های فکری انسان هستیم. تلاش برای دستیابی به پاره ای از این موارد توسط شپارد (۱۹۹۰) باعث شد که او بتواند تعداد زیادی از مواردی را که ذهن انسان را گمراه میکند شناسایی کند با این هدف که دانستن و شناسایی برخی چیزها درباره نظام شناختی ذهن انسان سبب میشود تا دیگران بتوانند سوگیری های نظام مند در روش های فکری انسان ها را کشف کنند.

جدول ۳: مقایسه دو سیستم فکری

سیستم ۱	سیستم ۲
کنترل نشده	تحت کنترل
بدون تلاش	تلاش کننده
قیاسی	مشارکت کننده
سریع	آهسته
ناخودآگاه	خودآگاه
آموزشی	بر اساس قوانین

نوع شناسی خطاهای شناختی:

¹ -Automatic System

² -Reflecting System

³ Decision Science

در این قسمت مروری دوباره خواهیم داشت به مفهوم شناخت و بدنال آن انواع خطاهای شناختی را با تاکید به خطاهای درگیر در تشخیص صحیح و دقیق مساله معرفی میکنیم. اگر شناخت را به فرایندهای ذهنی، ادراک، حافظه و خبرپردازی اطلاق کنیم که شخص به کمک آنها دانش می اندوزد، مساله حل می کند یا برای آینده نقشه می ریزد (پیرانی و همکاران، ۱۳۸۸)، آنگاه میتوان گفت که شناخت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای متعدد یک پدیده و تصمیم گیری دقیق در مورد آن بوده و ناآگاهی و آگاهی نادرست، انسان را در تحلیل آنچه پیرامونش اتفاق می افتد دچار لغزش و اشتباه می کند.

اما نکته بسیار مهم این است که برای پیشگیری از این لغزش ها باید علاوه بر پذیرش امکان قطعی وقوع این خطاها در ذهن (حتی به عنوان یک سیاستگذار با تجربه) به سرمنشاء وقوع این خطاها دست یافت. سر منشاء این لغزش ها افکاری هستند که به صورت خودکار پدید می آیند و حالت منفی دارند و به افکار خودآیند معروفند. این افکار با یکدیگر شباهت هایی دارند و در اصطلاح، به آنها خطاهای شناختی می گویند. شاید بتوان خطاهای شناختی را قواعد محاسبات سرانگشتی مغز انسان دانست که اگر چه مزایای زیادی دارد، اما دردسرهای خود را هم به همراه خواهد داشت. در بسیاری از حالت های خطاهای شناختی، فرد تلاش میکند ذهن دیگران را بخواند و یا احساسات و عقاید آنها را حدس بزند و یا با اولین اطلاعات بدست آمده اولین فکری را که به ذهن میاید به عنوان راه حل قطعی و بهینه قلمداد میکند و به حدس یا تشخیص خود اعتقاد کامل دارد و این در حالی است که توانایی حدس یا تشخیص قطعی را ندارد (فتی، ۱۳۸۵؛ به نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷) و در نهایت با گرفتار شدن در انواع تله های شناختی (که در جدول زیر ارائه شده است)، دچار بدترین و خطرناک ترین خطای ذهنی (خطای نوع سوم) شده و اصل مساله را بدرستی تشخیص نداده و یا اولویت آن را در میان مسائل دیگر درک نمیکند:

تقسیم بندی خطاهای شناختی

خطاهای شناختی، زیرمجموعه های زیادی دارند که این زیرمجموعه ها و تقسیم بندی ها، گاهی مرزهای مشخص هم ندارند و دارای هم پوشانی هستند. از میان انواع تقسیم بندی ها و اصطلاحات حوزه خطاهای شناختی شاید دو اصطلاح سوگیری های شناختی^۱ و تحریف های شناختی^۲ رایج تر از بقیه باشند: با وجود اینکه اختلاف نظرهای جدی در تعریف و تفکیک مفهوم سوگیری های شناختی و مفهوم تحریفهای شناختی وجود دارد، اما شاید تقسیم بندی زیر تا حدی راهگشا به سوگیری های شناختی عموماً میان همه ی ما انسان ها مشترک هستند و معمولاً در ارزیابی روی می دهند. تحریف های شناختی فردی تر هستند. به عبارتی شدت و ضعف آنها در انسان ها بسیار متفاوت است. معمولاً هم در ثبت و یادآوری رویدادها به وجود

^۱ - Cognitive Biases

^۲ - Cognitive Distortions

می‌آیند. با این حال، چون تقسیم بندی فوق بسیار ذهنی است، ترجیح می‌دهیم از اصطلاح خطاهای شناختی استفاده کنیم که عمومی‌تر است و همه‌ی موارد را پوشش می‌دهد.

فهرست برخی از انواع خطاهای شناختی از نوع سوگیری

- اعتماد به نفس بیش از حد^۱؛
- خطای تایید خود^۲؛
- تمرکز بر آخرین اطلاعات^۳؛
- اثر لنگر انداختن^۴؛
- خطای تمرکز بر اطلاعات در دسترس^۵؛
- اجتناب از تعارض شناختی^۶؛
- تفکر کلیشه ای یا استریوتایپ^۷

فهرست برخی از انواع تحریف های شناختی

- تفکر همه یا هیچ^۸؛
- تعمیم دادن^۹؛
- بایدها^{۱۰}؛
- برچسب گذاری بر روی خود و دیگران^{۱۱}؛
- بزرگنمایی و کوچکنمایی^{۱۲}؛
- حذف رویدادها و اطلاعات مثبت^{۱۳}؛
- پریدن به نتیجه بدون طی شدن مسیر^{۱۴}؛

¹ Overconfidence Bias

² Confirmation Bias

³ Recency Bias

⁴ Anchoring

⁵ Availability Bias

⁶ Cognitive Dissonance

⁷ Stereotype

⁸ All or nothing

⁹ Over-generalization

¹⁰ Should Statements

¹¹ Labeling

¹² Magnification / Minimization

¹³ Disqualifying Positives

¹⁴ Jumping to Conclusions

- شخصی کردن و به خودگرفتن^۱؛
- ذهن خوانی^۲؛
- خطای هاله ای^۳

جدول ۴: نوع شناسی خطاهای شناختی

	نوع خطای شناختی	منبع	ارتباط با فرایند تشخیص مساله (مثال ها)
۱	خطای چارچوب بندی ^۴	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷ بلا و کانترالی، ۵، ۲۰۱۸	یک جانبداری شناختی، تمایل افراد به واکنش سی ستماتیک یا متفاوت نسبت به یک قطعه اطلاعاتی - وابسته به نحوه ارائه اطلاعات
۲	خطای لنگر انداختن ^۵	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷ بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	تاثیر بسزای اولین گزینه ارائه شده، در انتخاب افراد گیر کردن سوزن فکر و تصمیم گیری فرد، بر روی م وردی خاص (شکل گیری تصمیم گیری ها و قضاوت های آتی، طبق موارد اولیه)
۳	خطای نفوذ متناسب ^۶	بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	یک سوگیری شناختی، تمایل افراد به نشان دادن و زن بیشتری به درصد به جای عدد مطلق افرادی بد هند که تحت تاثیر تصمیمات و اقدامات آنها قرار گر فته اند
۴	سوگیری وضع موجود ^۸	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷ بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	یک سوگیری شناختی. تمایل افراد به حفظ وضع م وجود با افزایش تعداد گزینه های تصمیم (ترس از تغییر یا سوگیری دگرگون گریزی)،
۵	نفوذ نامتناسب ^۹	بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	بیانگر نحوه تغییر در انتخاب های افراد زمانی که گز ینه سوم و کاملاً تله مانندی به مجموعه دو گزینه ا ولیه اضافه می شود (افزودن یک گزینه نامناسب به مجموعه انتخاب که سبب تغییر در ترجیحات تصم یم گیری میشود)

¹ Personalization

² Mindreading

³ Halo Effect

⁴ Framing

⁵ Bellé and Cantarelli

⁶ Anchoring

⁷ Proportion Dominance

⁸ Status Quo

⁹ Asymmetric Dominance

	نوع خطای شناختی	منبع	ارتباط با فرایند تشخیص مساله (مثال ها)
۶	خطای دسترس پذیری	تیلر، ۲۰۱۸	ارزیابی های سوگیرانه از مخاطرات- متناسب با میزان ترس از مخاطرات تا احتمال وقوع آنها
۷	خطای معرف بودن ^۱ (تطبیق) یا خطای نمایندگی	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	سوء برداشتهای جدی از الگوها - مثلا الگوی برخورد بمب ها که کاملا تصادفی بوده اند اما تراکم آنها در یک منطقه خاص، برداشت دیگری را ایجاد می کند.
۸	خطای خوش بینی ^۲ و اطمینان بیش از اندازه ^۳	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	اطمینان غلط به قرار داشتن در موقعیت مناسب- اطمینان بیش از اندازه به خود
۹	خطای سود و زیان	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	غلبه احساس زیان گریزی ^۴ نسبت به احساس سودآوری (مساله را با این رویکرد تعیین میکنم)
۱۰	خطای ذهن خوانی	بونفیل، ۲۰۱۵	تلاش فرد برای حدس زدن، افکار، احساسات و تمایلات دیگران (با نگاه منفی گرایانه)
۱۱	خطای فیلتر ذهنی	ادلن، ۲۰۱۴	توجه محدود به واقعیت و ندیدن بخش هایی از واقعیت ها را نبیند و فقط به واقعیت های محدودی توجه (مثال : من همیشه مساله را کامل میبینم)
۱۲	خطای تعمیم افراطی	ماتیس، ۲۰۱۱	تشخیص یک الگوی کلی و فراگیر منفی یا مثبت صرفا بر اساس یک رویداد خاص (مثال : من همیشه ه مسائل را خوب تشخیص میدهم)
۱۳	تفکر دو قطبی	بندیکتو، ۲۰۱۵	تفکر همه یا هیچ
۱۴	خطای استدلال هیجانی		تاثیر گذاری احساسات بر نحوه تفسیر از واقعیت

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش در بستر فهم اهمیت جایگاه حکمرانی و خط مشی گذاری عمومی و همچنین جایگاه حکمرانان و مدیران دولتی شکل گرفته است. جایگاه حکمرانی، جایگاهی است که باید مصون از خطا باشد، چرا که اشتباه حکمرانان نسبت به مردم عادی، چند برابر پژوهاک می یابد و در جوانب مختلف زندگی مردم نمایان می شود. بر مبنای همین نگاه، اشتباه سهوی و عمدی حکمرانان می تواند، هزینه های گزاف و جبران ناپذیری را به کشور وارد کند. یکی از راه های بروز خطا در عرصه حکمرانی، خطاهای شناختی و رفتاری است. این

¹ Representativeness heuristic

² Optimism

³ Overconfidence

⁴ Loss Averse

خطاهای شناختی در مرحله تشخیص مسأله عمومی، بیش از پیش اهمیت دارد. اولین اقدام برای اجتناب از خطاهای شناختی در این مرحله، شناخت آن هاست. پژوهش حاضر با هدف شناخت و دسته بندی خطاهای شناختی در عرصه حکمرانی شکل گرفت. بر این مبنا، در مرحله نخست پس از جمع آوری داده از طریق پژوهش کتابخانه ای، از طریق کاربست روش تحلیل محتوا، خطاهای شناختی که می توانست در مرحله تشخیص مسأله عمومی در عرصه حکمرانی رخ دهد شناسایی، دسته بندی و ارائه گردید.

در انتها، باید توجه داشت که نمی توان به صورت کامل خطاهای شناختی را از فرایند تصمیم گیری و خط مشی گذاری عمومی حذف نماییم، بلکه باید درصدد مهار این خطاها بود.

منابع:

- تیلر، ریچارد اچ، سانسیتین، کاس آر. ۱۳۹۷، سقلمه. ترجمه، حبیب الهی، مهدی. تهران، انتشارات شفاف.
- سردار نیا، خلیل اله (۱۳۹۶)؛ حکمرانی در ایران، آسیب شناسی و ارائه راهبردها، راهبرد توسعه، شماره ۴۹، بهار ۹۶، صص ۲۰۵-۲۲۵.
- سلیمی، جلیل. مکنون، رضا. ۱۳۹۷، فراتحلیل کیفی پژوهش های علمی ناظر بر مساله حکمرانی در ایران. مدیریت دولتی، دوره ده شماره ۱، ۱-۳۰.
- Anderson, J. E. (2011). Public Policymaking: An introduction. 7th ed. Boston, MA: Cengage.
- Bellé, Nicola, Paola Cantarelli, and Paolo Belardinelli. 2018. "Prospect Theory Goes Public: Experimental Evidence on Cognitive Biases in Public Policy and Management Decisions." *Public Administration Review* 78(6):828-40.
- Bertino, Elisa, Seraphin Calo, Maroun Toma, Dinesh Verma, Christopher Williams, and Brian Rivera. 2017. "A Cognitive Policy Framework for Next-Generation Distributed Federated Systems: Concepts and Research Directions." *Proceedings - International Conference on Distributed Computing Systems* 1876-86.
- Cairney, Paul and Christopher M. Weible. 2017. "The New Policy Sciences: Combining the Cognitive Science of Choice, Multiple Theories of Context, and Basic and Applied Analysis." *Policy Sciences* 50(4):619-27.
- Dunn, William. 2018, *Public Policy Analysis: An integrated Approach*. Taylor and francis.
- Dye, T. R. (2013). *Understanding public policy*. Boston: Prentice Hall.
- Epp, Derek A. 2017. "Public Policy and the Wisdom of Crowds." *Cognitive Systems Research* 43:53-61.
- Hill, M. J. (2005). *The public policy process*. Harlow: Pearson Longman.
- Jones, Bryan D. 2017. "Behavioral Rationality as a Foundation for Public Policy Studies." *Cognitive Systems Research* 43:63-75.
- Kaufmann, D. K. (2010). *The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues*. World Bank.
- Morgan, Geoffrey P., Kenneth Joseph, and Kathleen M. Carley. 2017. "The Power of Social Cognition." *Journal of Social Structure* 18.
- Siciliano, Michael D., Nienke M. Moolenaar, Alan J. Daly, and Yi Hwa

Liou. 2017. “A Cognitive Perspective on Policy Implementation: Reform Beliefs, Sensemaking, and Social Networks.” *Public Administration Review* 77(6):889–901.

- Solek, Adrian. 2014. “Behavioral Economics Approaches to Public Policy.” *Journal of International Studies* 7(2):33–45.
- Sun, Ron. 2018. “Cognitive Social Simulation for Policy Making.” *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences* 5(2):240–46.
- Surel, Yves. 2000. “The Role of Cognitive and Normative Frames in Policy-Making.” *Journal of European Public Policy* 7(4):495–512.